



**سر دبیر: مینو همتی**  
**Editor-in-chief: Mino Hemati**  
**Email: minohemati@gmail.com**

**مدیر مسئول: شاره رضائی**  
**Managing editor: Sharareh Rezaei**  
**Email: shararehrezaei.p@googlemail.com**

**نشریه ماهانه:**  
**3rd Series, Issue 38**  
 سری سوم، شماره ۳۸  
 شهریور ۱۳۹۴, Sep. 2015

**مطالب**

اطلاعیه سازمان رهایی زن: "شاهرخ زمانی در اسارت رژیم اسلامی جان باخت"

حمله انتحاری عوامل حکومت اسلامی در مرکز فرهنگی شهر سورج و بررسی عواقب آن  
 شماره رضائی

احتمال باز گشایی سفارت آمریکا در تهران  
 سحر باباسجلی

پناهجویان واقعی و اهداف رئیلانه حکامان دینی بلاد اسلام!  
 شاهین کاظمی

ندا و فریاد مهاجر!!  
 ماریا یوسف زای

مهمترین عوامل صلب حقوق زنان در کشورهای اسلامی!  
 یوسف (حیات) حسینی

روسیه‌گری در ایران  
 شهره ملایی کنمی

نگاه مختصری به دوران آزادی و محرومیت زنان در تاریخ افغانستان  
 اسد الله صامت

"بی معنی" شعری از کتاب: "گیسوه‌های بریده ی زنی در خواب"  
 دریا منوچهری

مشکلات پناهجویان سوری و دیگر کشورهای اسلامی!  
 آکو رضائی

نوشته ای که می خوانید حالتی از یک روح سرکش است ....  
 بهاره شرفی

راه اندازی اینترنت ملی حلال در ایران  
 پریا مصیری منجی

گسترش دانشگاه‌های تک جنسیتی در ایران  
 دل آرام آزمون

کنترل فضای مجازی در ایران و چگونگی جرایم سایبری  
 حمید نصیری

زنان و حکومت های اسلامی مذهبی  
 فرشته نظام آبادی

نامه ی از زندان رجایی شهر کرج  
 محمدرضا سیامک مهر

گزارش هایی از برگزاری مراسم اعتراضی به قتل شاهرخ زمانی همراه با عکس  
 شهرهای شوتوتگارت و برلین آلمان

صفحه خبری

تماس با رهایی زن و اطلاعات مربوط به روز، ساعت و فرکانس پخش برنامه ماهواره ای در ایران



شاهرخ زمانی در اسارت رژیم اسلامی جاتیباخت



خبر کوتاه بود، شاهرخ زمانی فعال کارگری در زندان رجایی شهر بر اثر سکه مخزی درگشتت. بنظر میرسد رژیم اسلامی انتقام امتیازدهیهای خارجی خود را با ضرب و شتم اسرا در داخل زندانهایش جبران میکند. فعالین کارگری در بند و خانواده هایشان در سالهای عمر حکومت اسلامی مورد انواع شکنجه های جسمی و روانی واقع شده اند، حتی اگر به اصطلاح بمرگ طبیعی عمرشان کوتاه شود برآستی بجز حکامان اسلام پناه چه کسی مسئول است. فاصله "مرگ طبیعی" افتدین اساتلو تا شاهرخ زمانی زیر سقف زندانهای رژیم کوتاهتر از آنستکه مردم روند حذف فیزیکی فعالین کارگری و مدنی را مشاهده نکنند. ما کلیه مسئولین حکومت اسلامی را متهم ردیف اول این اعدامهای نرم میدانیم.

ما ضمن ابراز همدردی عمیق خود با خانواده، هم‌زمان و آحاد جنبش کارگری، خواهان تحقیقات وسع سازمان بین المللی کار در مورد پیش زمینه ها و علل جاتیباختن شاهرخ زمانی فعال کارگری در اسارتگاه رژیم اسلامی هستیم.

یاد و میارزه شاهرخ زمانی جلودان یاد  
 سازمان رهائی زن  
 شانزدهم سپتامبر 2015

RahaiZan.org    Rahai-Zan.tv    1(717)754-8633    Markazi@RahaiZan.org

<http://rahaizanorg.blogspot.com/2015/09/shahrokhzamanilosthislifeinprison.html>

با نشریه رهایی زن همکاری کنید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودناتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را به آدرس ایمیل زیرارسال کنید.

**Markazi@RahaiZan.org**

باتوجه به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگوئی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضا این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم تا در پاسخگوئی به این نظرات کوشا باشند.

**مینو همتی**

**حمله انتحاری عوامل حکومت اسلامی در مرکز فرهنگی شهر سوروج و بررسی عواقب آن**  
**شراره رضائی**



حمله انتحاری عوامل حکومت اسلامی داعش در یک شهر مرزی ترکیه که منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از داوطلبین بازسازی شهر کوبانی بودند، عواقب و واکنش‌هایی را در بر داشت که در برنامه امشب با شراره رضائی فعال حقوق زنان و مدیر مسئول ماهنامه رهایی زن مقیم آلمان مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

**شراره رضائی عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.**

**مینو همتی:** قبل از پرداختن به وقایع اخیر، مختصری از مقاومت مردم کوبانی و بخصوص زنان مبارز این شهر در نبرد سرنوشت ساز علیه حکومت اسلامی توضیح دهید.

**شراره رضائی:** بلی. مقاومت زحمتکشان کوبانی در مقابل داعش در دوره اخیر را دنیا شاهد بود. در این مقاومت زنان و دختران جوان نقش مهمی داشتند. صرف‌نظر از اهمیت نظامی نقش زنان در جنگ علیه داعش، جنبه مهم دیگر این نقش پوچ کردن داعیه مذهبی درجه دو بودن زنان بخصوص در خاورمیانه و از جمله در ایران است. مقاومت مسلحانه ی مردم

**مینو همتی:** حمله انتحاری حکومت اسلامی به مرکز فرهنگی سوروج، در شرایطی بوقوع پیوست و چه کسانی را هدف گرفته بود؟

**شراره رضائی:** یکی از خصوصیات مقاومت زحمتکشان کوبانی فاصله گرفتن از سنت‌ها و فرهنگ رایج ارتجاعی در کشورهای منطقه است. از جمله و همانطوری که در جواب سوال اولتان گفتم یکی از این خصوصیات نقش زنان بود. جنبه دیگر این است که در کوبانی زنان و مردان زیادی بدون توجه به ملیت و قومیت و مذهب و حتی کشور در مقاومت کوبانی شرکت کردند. از اقصی نقاط جهان به کوبانی آمدند و به حمایت عملی از مقاومت پرداختند. به این معنا می‌توان گفت که مقاومت کوبانی رنگ و بوی مذهب یا قومیت را نداشت. یا بعبارت دیگر چپ و مترقی بود.

این خصوصیات علاوه بر مقاومت جانانه نظامی چیزی است که نه تنها داعش حتی حکومت‌های منطقه از جمله دولت ارتجاعی اردوغان در ترکیه یا بارزانی در کردستان عراق را نگران و خشمگین کرده است. در این ماجرا است که تعدادی از جوانان سوسیالیست و مترقی در ترکیه تصمیم می‌گیرند در کمک مادی و بازسازی کوبانی شرکت کنند. باز هم چپ و سوسیالیست بودن این گروه بزرگ جوانان برای داعش پیام بدی بود. در نتیجه هدف داعش در ترور این جوانان مشخص است. داعش همانند همه مرتجعین دولتی و غیر دولتی و حکومت‌های مذهبی چون جمهوری اسلامی و دولت اردوغان و یا بارزانی، به شدت ضد ترقی و تمدن و بویژه افکار و ایده‌های سوسیالیستی و انسانی‌اند. در یک کلام می‌شود گفت همه صف ارتجاع در منطقه از جمله داعش ضد زن،

ضد سکولاریسم، ضد سوسیالیسم و ضد هر گونه عقاید و پیشرفت انسان زحمتکش و دخالتش در ساختن جامعه با دستان خود است.

به نظر من این حمله تروریستی و جنایتکارانه انتقام از جوانان سوسیالیست و ترقیخواه و آزادیخواه را هدف خود قرار داد و برگ سیاه دیگری به کارنامه ننگین خود اضافه کردند.

**مینو همتی:** بازتاب این حمله انتحاری و واکنش مقامات ترکیه و فعالین کرد را چگونه مشاهده کردید؟

**شراره رضائی:** طبیعی است که این جنایت تنها کشتن چندین جوان پسر و دختر سوسیالیست و انساندوست نبود، این جنایتی علیه کل بشریت متمدن و مترقی است. و به حق با اعتراض و نفرت عمومی بین المللی روبرو شد.

فکر نکنم کسی انتظار داشته باشد دولت ترکیه عکس العملی نشان دهد. دولت اردوغان در ترکیه خود تا مغز استخوان فاسد و ارتجاعی است. در نتیجه می‌توان گفت که قتل عام جوانان ترکیه برای چنین سیستمی خوشایند هم هست.

دولت ترکیه در حملات مکرر به اعتصاب کارگران، به تظاهرات توده‌ای و غیره نشان داده است که برای جان شهروندان این کشور که حکومتش را در دست دارد اهمیتی قابل نیست.

از نظر من دولت ترکیه اگر خود در این ترور دست نداشته باشد، اما در حفظ جان شهروندان ترکیه هم هیچ مسوولیتی را بر عهده نمی‌گیرد. جنایتکاران داعش در ترکیه ولو اند. همه جا هستند و مورد حمایت دولت و پلیس ترکیه‌اند. داعش در نتیجه حمایت دولت اردوغان از امکانات نظامی و لجستیکی و درمانی و حمل و نقل و آمد و رفت کاملی برخوردار است.

دولت اردوغان حامی بی قید و شرط داعش در حمله به کوبانی بود و توطئه های زیادی چید که این شهر سقوط کند.

در مقابل ترور و جنایت داعش علیه جوانان ترکیه، می توان گفت دولت اقلیم به ریاست بارزانی هم همان عکس العمل مشابه دولت اردوغان را دارد. با وجود این در میان مردم و روشنفکران کردستان در منطقه در کردستان ایران، عراق، سوریه و ترکیه انزجار گسترده ای نسبت به این جنایت نشان داده شد. بخصوص فعالین سیاسی و مدنی ترکیه اعم از ترک و کرد زبان و غیره اعتراضات وسیع و شدیدی همزمان علیه دولت ترکیه و داعش سازمان یافت. این جنایت احساس همه انسان های شریف و صف مترقی و سوسیالیستی جامعه ترکیه را جریحه دار کرد.

**مینو همتی: نظر سازمانهای کردی مقیم آلمان در مورد حملات هوایی همزمان ترکیه به کردها در کوههای قندیل عراق و نیروهای داعش در سوریه چیست؟**

**شراره رضائی:** بخش بزرگی از سازمانهای کردی مقیم آلمان حزب کارگران کردستان ترکیه (پ ک ک) است. حزبی که مورد حمله مجدد هوایی ترکیه قرار گرفته است. پ ک ک مدت ها است که برای صلح و مذاکره با دولت اردوغان اعلام آمادگی کرده است و در عوض دولت ترکیه ظفره رفته و بهانه گیری می کند. پ ک ک حتی در مقابل مذاکرهاو صلح اعلام کرده است که اسلحه را هم زمین می گذارد. اما این هم مورد بی اعتنائی دولت اردوغان قرار گرفته.

در جنگ داخلی و سناریوی سیاهی که آمریکا و کشورهای عربی به سوریه تحمیل کردند، حزب دمکراتیک خلق کردستان ترکیه که متحد پ ک ک است

در این جنگ شرکت نکرد و در عوض فرصت پیدا کرد که جامعه کردستان سوریه را طوری سازماندهی کند که هم توانایی اداره جامعه خود را داشته باشند و هم در صورت تعرض نظامی بتوانند از خود دفاع کنند. مقاومت کوبانی در نتیجه همین آمادگی از پیشی بود.

با عروج داعش و مقاومت مردم کوبانی، پ ک ک هم امکان دخالت کردن در تحولات منطقه را هم در سوریه و هم عراق پیدا کرد و به این اعتبار می توان گفت قوی تر شد. این قدرت جدید پ ک ک طبیعی است که برای دولت ترکیه ناخوشایند بوده و هست. به همین دلیل دولت اردوغان در تمام این مدت تلاش کرد تا مقاومت کوبانی را در هم بشکند و پ ک ک را هم تضعیف کند. برای دولت اردوغان داعش همسایه بهتری از مردم کردستان سوریه و منطقه تحت نفوذ پ ک ک بوده و هنوز هم هست.

در نتیجه حمله هوایی دولت ترکیه به مواضع پ ک ک علاوه بر دشمنی و کینه دیرینه دولتهای ترکیه نسبت به مردم کردستان، دلایل امروز را هم دارد.

اما حمله همزمان دولت ترکیه به داعش چه معنایی می تواند داشته باشد؟

من فکر می کنم این حمله صرفا یک مانور و نمایش مسخره است. داعشی که تا همین امروز مورد حمایت همه جانبه دولت اردوغان بوده است حمله به آن بی معنی است. این تناقض را هر انسان عاقلی می فهمد. دولت ترکیه با این کار فریبکارانه بزعم خود می خواهد افکار بین المللی را منحرف کند که به قول خودش با تروریسم در منطقه می جنگد. کسی که خود یکی از حامیان اصلی تروریسم داعش بوده است. در نتیجه نباید به این پروپاگاندا ابلهانه یک ذره باور

داشت.

**مینو همتی: در شهر شتوتگارت آلمان عکس العمل به وقایع اخیر چه بوده است؟**

**شراره رضائی:** به محض رسیدن خبر جنایت داعش و کشتار جوانان ترکیه، در اکثر شهرهای آلمان تظاهرات های بزرگی برپا شد. در این تظاهرات ها هم بدرست دولت اردوغان محکوم شد. وقتی که داعش مورد حمایت اردوغان است و به اسانی می تواند در همه جای ترکیه امد و رفت کند، در نتیجه می توان گفت که دولت اردوغان هم شریک این جرم و جنایت است. بخصوص دولتی که همه امکانات جامعه رادر اختیار دارد نمیتواند امنیت مردم را تامین کند. چرا پلیس ترکیه در شهر سوروج امنیت تجمع جوانان را که می خواستند حتی اسباب بازی برای بچه های کوبانی ببرند تامین نکرد؟

چیزی که در این تظاهرات ها جلب توجه می کرد این بود که این اعتراضات و تجمعات و

ابراز نفرت عمومی اساسا رنگ و بوی چپ و انساندوستانه و مترقی داشت. ملی گرایی و مذهب و شخصیت پرستی و غیره در این تحرکات اجتماعی نقشی نداشت.

این را هم بگم که جوانان و آزادیخواهان شهرهای آلمان اعم از کرد زبان و آلمانی و غیره بیشترین کمکهای مالی و انسانی را به کوبانی رسانیده اند. هم اکنون تعداد زیادی به کمک مردم کوبانی برای بازسازی شهر رفته اند. یکی از خواستههای تظاهرکنندگان اخیر این بود که مرزهای ترکیه را به کوبانی باز کنند تا کمک های بین المللی به کوبانی رسانده شود.

با سپاس از اینکه نظراتان را با بینندگان ما سهیم شدید.

**لینک مصاحبه:**

<http://rahaizantv.blogspot.com/2015/07/support-of-people-of-kobani-against-isis.html>

## احتمال باز گشایی سفارت آمریکا در تهران

### سحر باباسجلی

اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بازگشایی سفارت این کشور در تهران را «غیرممکن» ندانسته است.

پس از انقلاب ۵۷ و روی کار آمدن حکومت دیکتاتوری آخوندی سران این حکومت فقط در شعار خود را وابسته نه به شرق می دانستند نه به غرب. در این مدت ۳۶ سال، در عمل به کل ملت ایران ثابت شد که این حکومت فقط به فکر غارت، چپاول، سرکوب و تجاوز به حقوق مردم ایران بوده و هست و ما شاهد هستیم که سران دیکتاتور فقط مرد شعار هستند نه عمل.

همه می دانیم که برای تاسیس نیروگاه اتمی محتاج شرق و همچنین غرب. در پایان شاهدیم که حتی آقای رفسنجانی از احتمال باز گشایی سفارت آمریکا اظهار خشنودی می نماید.

در دنیای ارتباطات مستقیم بهتر از روابط پنهانی می باشد اما متأسفانه هزینه سنگین و جبران ناپذیر این حکومت، به عهده ملت ایران می باشد.





**پناهجویان واقعی و اهداف رذیلتانه حاکمان دینی بلاد اسلام!**  
**پناهجویان واقعی نباید بی پناه بمانند ،**  
**شاهین کاظمی**



امکانات همچنان شرایط مرگ آور می‌تواند ادامه داشته باشد ، پناهجوی واقعی وقتی مورد حمایت قرار می‌گیرد شعار اعتقادی ، در واقع همان تفکر و تندرستی که باعث فرارش شده را دیگر فریاد نمی‌زند ، بسیار این روزها شنیده و دیده ایم ، رهبر کلیسا در مجارستان هجوم پناهجویان را به حمله اسلامیان تشبیه کرده و یا به آتش کشیده شدن کمپی همراه با درگیری فیزیکی با مسئولان انجا بدلیل وجود گوشت بقول خودشان حرام و یا فریاد الله اکبر گویان تعدادی از به اصطلاح پناهجویان همه و همه حکایت از این دارد که چه راحت میتوان بعنوان پناهجو برای هر مقصدی به کشوری رفت و بساط خود را علم کرد ، بساط دین و مذهبی که

دریا در مسیر فرار هستند. هر انسان پناهنده ای حالا با هر مشکلی که خودش بهتر میدانند باید پذیرفته شده و پرونده اش مورد بررسی عادلانه قرار بگیرد ، در این شکی نیست . اما مشکل تشخیص پناهجویان واقعی با انانی که با هدفی و ماموریتی دیگر از عنوان پناهندگی سواستفاده کردند و باید بشینیم و منتظر باشیم تا روزی که دست این جاعلان رو شود که امیدوارم دیر نشده و هر کدام را با يك عملیات انتحاری برای نابودی بقول انها كفار نشناسیم که ان موقع دیگر خیلی دیر خواهد بود .

مسیر در دریا یا خشکی جان خود را از دست میدهند ، بله پناهجویان واقعی جانشان در

تشخیص پناهجویان واقعی که بر اثر جنگ و خونریزی تنها جان خود را برداشته و دل به راهی پرخطر زده اند با عوامل نفوذی عاملان اصلی شعله ور کردن آتش جنگ در کشورهای سوریه ، عراق و افغانستان و یمن و خیلی کشورهای دیگر است که به ظاهر جنگی ندارند ولی حاکمان دینی و دیکتاتور عرصه زنده بودن را بر ملت تحت ستم تنگ کرده تا جایی جان و مال و آزادی آنها به خطر افتد و برای حفظ جان مهاجرت کنند ، چالشی بر سر راه مدافعان پناهندگی بعنوان کشورهای پناهنده پذیر خواهد بود.



در پایان این گفتار یادآور میشوم الان کرد کودک ۳ ساله ای که با جسم بیجانش راه را برای هزاران پناهجوی اسیب مسیر مرگ و زندگی هموار کرد و در تاریخ ماندگار شد و یادی بکنم از انانیکه بی نام و نشان در راه نجات خود و خانواده جان باختن و هیچ کس آنان را نشناخت !

تمام جنگ های منطقه خاورمیانه و آفریقا را رقم زده و هیچکدام از

خطر بوده و تا رسیدن به يك جایی امن و دارای حداقل

تصاویر و اخبار دردناکی که این روزها بر صدر تیتر رسانه های جهان در حال انتشار هست ، هزاران انسان خسته از جنگ با طی مسیره های بسیار وحشتناک و مرگبار که تعداد زیادی در طی

**هر کس حق دارد در هر کشوری که ، نخواهد عبور و مرور کند و بدون هیچ**

**مرزی محل اقامت خود را انتخاب نماید**

**اعدام و شکنجه ، قتل عمد و سازمان یافته است**

**ندا و فریاد مهاجر !!**



**ماریا یوسفزای**

در جوامع بشری که انسان‌ها در یک موقعیت جغرافیای که متشکل از خطوط شناخته شده بین‌المللی به اسم مملکت نامیده می‌شود زندگی میکنند و تمام کره زمین در عصر امروزی ممالک

متعددی وجود دارد که دارای آزادی در چوکات قوانین معین مصروف زندگی بوده و هر کشور در تلاش بهبود وضع اقتصادی و بدست آوردن زندگی مرفه خویش در تلاش اند. از منابع طبیعی خویش استفاده نموده برای دفع مواد ضرورت هر کشور به ممالک و غیره به واردات و صادرات می پردازند که در برگیرنده روابط بین‌المللی می‌گیرد. قدرتمند و سرمایه‌جهت تسلط و تصاحب نمودن منابع بیشتر در صدد بدست آوردن منابع اقتصادی از ممالک دیگر که دارای مواد معدنی - نیروی کاری انسانی و غیره بوده به اشکال مختلف استفاده می‌کنند و به تجاوزات مستقیم و غیر مستقیم مانند فروختن صلاح بین‌مملکت‌ها ایجاد تفرقه و احزاب مختلف میان خود کشورها و گماشتن جاسوس‌ها و نماینده‌های وفادار برای شان کار میکنند که از

طریق سفارت‌های بین‌المللی ایجاد موسسات خیریه و غیره آتش نفاق و جنگ را افروخته به فروش اصلحه و مواد نظامی سود می‌برند و از جانبی در تسخیر منابع زیر زمینی اقدام می‌نمایند و از این جنگ‌های تحمیلی نفع می‌برند مثل افغانستان که همین حال شرایط ناگوار جنگ را سپری میکنند در این سه دهه بعد از سوریه بیشترین مهاجر را در دنیا دارد در ۷۰ کشور دنیا حضور دارند که حدود ۲-۶ میلیون افغان همین اکنون با مدرک پناهندگی در دو کشور ایران و پاکستان زندگی میکنند. و قرار احصاییه مقامات ایران یک میلیون و ۴۰۰ هزار افغان بدون مدرک در ایران زندگی میکنند و در پاکستان نیز یک میلیون افغان بدون مدرک در آن کشور زندگی میکنند. و در حال حاضر تنها بیجا شده گان داخلی افغانستان به ۱۳۰

هزار میرسد و از سال ۲۰۰۱ تا حال امار تلفات جنگ به صد هزار میرسد که از این سبب مردم این دیار برای امنیت جان خود - بخاطر زنده ماندن و حفظ ابرو و عزت شان مجبور به مهاجرت می‌شوند که زحمات و مشقت‌ها را متقبل میشوند که همین حالا و شما می‌بینیم که سبیلی از مهاجرین از ممالک نا امن جنگ‌زده تلاش نهایی خویش را نموده بخاطر حفظ جان خود پا به فرار گذاشته که حوادث ناگوار و غم‌انگیز و تلخ رخ داده که از طریق رسانه‌های اجتماعی پخش می‌گردد و واقعا قلب هراسان با احساس را تکان میدهد و من منحیث یک مهاجر و پناهنده فریاد می‌زنم که!

**کجا است قوانین حقوق بشر ؟**  
**کجا است عدالت اجتماعی ؟**  
**کجا است تامین عدالت حقوق بین‌المللی مهاجرین ؟**

**مهمترین عوامل صلب حقوق زنان در کشورهای اسلامی !**  
**یوسف (حیات) حسنی**



شریعت اسلامی و سنت‌های برگرفته از آن و باورهایی زن‌ستیزانه از بزرگترین موانع در راستای تحقق حقوق زنان در جوامع اسلامی شمرده می‌شود. جنگ، ناامنی، فقر و شرایط نابسامان بشر زنان را به حاشیه رانده ولی بطور کل باعث نفی حقوق زن نشده اند بلکه آنچه که

فعالیت زنان و جامعه مدنی در تامین حقوق زنان را ناممکن ساخته صدور احکام دینی و شریعت اسلامی است. بر طبق آمارهایی منتشر شده از طرف سازمان‌های حقوق بشر در کشورهای اسلامی نشان میدهد که سالانه هزاران زن در جوامع مذکور مورد خشونت و بدرفتاری قرار می‌گیرند از ممنوعیت در تحصیل دختران گرفته تا ازدواج‌های ناخواسته و اجباری همه و همه حکایت از نابرابری و تفکرات غیر انسانی و پوسیده سنتی مذهبی دارد. در سالهای اخیر سازمانها و ارگانهای متعددی برای رسیدگی به حقوق زنان تشکیل شده اما هیچکدام اینها جوابگوی مشکلات زنان نبوده اند و بیشتر به دنبال مطرح کردن مشکلات فرعی بوده تا ایستادگی در مقابل احکام‌های دینی و مذهبی ؛ در

حالی‌که در قانون اساسی همه این کشورها حقوق زنان نصف حقوق مردان تعریف شده که در اینصورت نمیشود به این قوانین ضد انسانی استناد کرد. خشونت، بدرفتاری، قتل‌های ناموسی، خودکشی و خودسوزی زنان روز به روز افزایش پیدا کرده و آینده برای این قشر جامعه هنوز تاریک و تار است. اکثر زنان در جوامع سنتی اسلامی از همان بدو پیدایش مورد بی‌لطفی خانواده‌ها قرار می‌گیرند که این خود دلیلیست بر سنت‌های ضد انسانی در جوامع اسلامی با توجه به عوامل شمرده شده و اطلاعات نشر شده از فعالین جنبش زنان و حقوق بشر اینگونه به دست می‌آید که باید تشکل‌های ویژه‌ای ایجاد گردد و برای احقاق حقوق زنان در کشورهای اسلامی. بر اساس حقوق بشر در سازمان ملل و

جوامع بین‌المللی که دارای حقوق برابر زن و مرد است به دست آید نه با افکار متحجر سنتی اسلامی که هیچگونه حقوق برابری برای زنان قایل نیست. در واقع هرچایکه شما برای حقوق زنان در کشورهای اسلامی وارد مبارزه می‌شوید در مقابل اسلام و شریعت اسلامی قرار می‌گیرید. پس ضرورت ایجاد تشکلات مدافع حقوق زنان و کودکان بیش از همیشه احساس می‌گردد و به نظر من بعد از برپائی جنبش‌های مستقل مدافع برابری اولین کار باید اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دهی و یادآوری حقوق بشر و شهروندی می‌توان امیدوار بود بساط ظالمان دینی اسلامی برچیده گردد. به امید برابری زن و مرد و نابودی تفکرات خشک مذهبی در کشورهای اسلامی.

### روسپی‌گری در ایران شهره ملای کمی



مبارزه با قاچاق انسان به منظور بهره‌کشی تجاری و جنسی بررسی شده است.

در بخشی از این گزارش که به ایران اختصاص داده شده، نوشته شده که به دست آوردن اطلاعات دقیق از ایران برای نویسندگان گزارش ممکن نبوده است اما بنا به آنچه که به دست آورده اند، ایران مبدأ، مسیر و مقصد قاچاق انسان برای روسپی‌گری و کار کشیدن اجباری است.

در گزارش به بالا رفتن تعداد کودکان متکدی و روسپیان نوجوان در برخی از شهرهای ایران اشاره شده و همین‌طور به گزارش‌هایی که هر از چندی درباره فروش دختران ایرانی در کشورهای حوزه خلیج منتشر می‌شوند.

شاهد این هستیم که جمهوری اسلامی با سیاست‌های غلط اقتصادی و فرهنگی خود عامل از هم پاشیدن بنیان خانوادگی و اخلاقی در کشور ایران است این حکومت فاسد و غیرایرانی با تمام توان کمر به نابودی ایران عزیز بسته، به امید پیروزی و رهایی مردم ایران.

بهبیستی ایران، «شماری از روسپیان، نه به خاطر فقر مطلق، بلکه برای به دست آوردن درآمد بیشتر به روسپی‌گری روی می‌آورند و این موضوع بیانگر به صدا درآمدن زنگ خطر برای جامعه ایران است».

بر اساس آمارهای مراکز بازپروری سازمان بهیستی ۱۰ تا ۱۲ درصد زنان خیابانی متاهل هستند و اغلب آنان در سنین ابتدای جوانی ۲۰ تا ۲۹ سال قرار دارند.

«بسیاری از این زنان ادعا می‌کنند که از بی‌خانمانی بوده است که دست به این کار زده‌اند و اگر تنها جای خوابی برای آنها وجود داشت هیچ‌گاه تهدید جانی این کار را به جان نمی‌خریدند.» وزارت خارجه آمریکا در گزارش سالانه خود که درباره قاچاق انسان منتشر کرد، در بخش مربوط به ایران نوشت که این کشور مبدأ و مقصد قاچاق انسان از جمله برای روسپی‌گری است.

به گزارش بی بی سی، گزارش وزارت خارجه آمریکا متنی طولانی است که در آن، وضعیت کشورها در زمینه

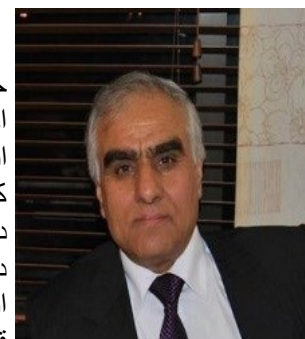
بیکاری، زیاده‌خواهی و تنوع طلبی مردان، وجود فضای یاس و ناامیدی بین جوانان و عدم وجود امکانات برای ازدواج و تشکیل خانواده، ازدواج مجدد مردان و طلاق برشمرد. دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس ایران در گزارشی اعلام کرد سن روسپی‌گری در ایران به ۱۵ سال رسیده است. بر پایه گزارش‌های رسمی، تهران و مشهد بیشترین زنان روسپی را نسبت به سایر شهرهای ایران دارند. به گفته مدیر کل امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان

روسپی‌گری، تن‌فروشی یا فحشا، به تجارت یا پیشه آمیزش جنسی طبیعی یا غیرطبیعی در قبال درآمد و یا برخی دیگر منافع گویند، که گاهی اوقات با عنوان سکس

تجاری (commercial sex) نیز مطرح می‌شود کسی که در هر بخش از این پیشه کار می‌کند کارگر جنسی می‌گویند. فحشا در ایران نیز مانند همه کشورهای جهان رواج دارد. عوامل روی آوردن زنان به فحشا را اما می‌توان فقر، اعتیاد، ازدواج اجباری،

### نگاه مختصری به دوران آزادی و محرومیت زنان در تاریخ افغانستان

اسد الله صامت فعال سیاسی و حقوق زنان



زنان افغانستان از دسته شیر زنان جهان هستند که با وجود فشارهای زیاد اجتماعی و تبعیض جنسیتی توانسته اند چه در خانه به عنوان مادر و زانی که در خانه کارهایی مانند: گلیم بافی دست دوزی و غیره و چه در جامعه دستاورد‌های زیادی داشته باشند. افغانستان کشوری بوده که زنان قهرمانی در این سرزمین زندگی و

مبارزه کرده اند مانند: رابعه بلخی، عایشه درانی، نازو انا، زرغونه انا، مخفی بدخشی، حنظله بادغیسی و تعداد زیاد دیگری که ذکر اسمشان از حوصله ی این مقاله خارج است در خود پرورنده

همسران وزیر دفاع و وزیر است. خارجه حکومت وقت، در مراسم جشن استقلال شرکت کرد. این جشن در ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ هجری خورشیدی مصادف با سال ۱۹۱۹ میلادی برگزار شد. از اینجا راه برای پیشرفت زنان افغان و مشارکتشان در محافل سیاسی و رشد زنان در اجتماع شروع شد.

در سال ۱۹۲۱ مدارس دخترانه شروع به فعالیت و آموزش برای دختران از سن ۶ سالگی تا ۱۱ سالگی به گونه ی اجبار از سوی دولت در نظر گرفته شد. یک سال بعد آن نیز تعدادی از دختران افغان برای تحصیل

پیشرفت و آزادی زنان افغان در زمان امیر حبیب الله خان در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ با ارایه ی این طرح از سوی محمود طرزی آغاز شد. این طرح باعث شد زنان توانستند در مجالس مهم دولتی حضور یابند. ملکه ثریا دختر محمود طرزی و همسر امان الله خان نماد یک زن آزاده در تاریخ معاصر افغانستان است. ملکه ثریا نخستین زنی است که در تاریخ معاصر افغانستان در مراسم حکومتی بدون پوشش اسلامی " چادر و روسری " اشتراک ورزید. وی بار اول همراه با



به خارج از کشور فرستاده شدند. به نقل از تاریخ نویسان در سال ۱۹۲۹ زمانی که امیر حبیب الله کلکانی به قدرت رسید و ۹ ماه حکومت کرد تمام دستاورد زنان بر باد رفته، محروم از حضور در اجتماع و دوباره خانه نشین و مجبور به رعایت حجاب اسلامی شدند. در دوران حکومت نادر شاه هم اکثر زنان در ظلمت بسر می بردند و حق هیچ گونه مشارکت را در اجتماع نداشتند. فقط زنان وابسته به خاندان سلطنتی و برخی از زنان ثروتمند کابل نشین می توانستند در یک موسسه ی نسوان که یک تجمع کاملاً زنانه اشتراک می کردند. میرسیم به دوران آخرین پادشاه افغانستان که محمد ظاهر شاه نام داشت، گام های بعدی در زمینه ی تامین شرایط برای رشد و اشتراک زنان به عنوان نیمه ی دیگر پیکر جامعه در دوران محمد ظاهر شاه در سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۷۳ برداشته شد. برداشتن حجاب زنان در سال ۱۹۵۹ و متعاقب آن تشکیل «موسسه ی نسوان» که در حقیقت سازمان رسمی زنان بود، نقطه عطف را در تاریخ نهضت سیاسی و اجتماعی کشور ما تشکیل می دهد. در این زمان تعدادی از علمای دین از این موضوع معترض شده و به دیدار داوود خان که در آن دوران صدراعظم افغانستان بود رفتند و اعتراض شان را علیه اقدامات دولت ابراز نمودند. اما داوود خان در مقابل به اعتراض شان چنین پاسخ داد: پوشیدن حجاب در جامعه یک مساله ی کاملاً داوطلبانه است هر گاه ایشان مسلم بودن حقانیت چادری و حجاب را در قوانین اسلام پیدا کرده توانستند او اولین کسی خواهد بود که حجاب را دوباره بر زنان تطبیق خواهد کرد. همچنان در دوران ظاهر شاه برای اولین بار صدای زنی به نام میرمون پروین از رادیوی افغانستان منتشر شد. در این سالها زنان بشدت در کنار مردان در جامعه رشد می کردند و در اکثر رشته ها دوشادوش با مردان همکاری می کردند. در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی زنان باری دیگر توانستند بدون حجاب اجباری به مراسم جشن استقلال بروند و همچنان پس از سپری شدن ۵ سال زنان حق اشتراک در انتخابات و رای دادن را به دست آوردند. ۲ تن از زنان افغانستان برای اولین بار در کمیته تصویب قانون اساسی ۱۹۶۴ حضور یافتند و ۲ زن دیگر به عنوان سناتوران انتصابی در شورای ملی به کار آغاز نمودند. اولین نهاد مدنی مستقل از حکومت به نام حزب دموکراتیک خلق در سال ۱۹۶۵ آغاز به فعالیت کرد. زنان و مشکلات آنها برای همه طیف های چپ در افغانستان از مسایل اساسی بود و حزب دموکراتیک خلق در ۱۴ سال زمامداری، وضعیت زنان را حداقل در شهرهای این کشور دگرگون کرد. تعطیلات بیشتر برای زنان، راننده، معلم و پزشک، حضور زنان در ارتش و پلیس، مشارکت زنان در احزاب سیاسی، و غیره. اما از زمانی که مجاهدین از سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ زمامداری دولت را به دست گرفتند وضعیت زنان در جامعه متحول شد. پوشش زنان کاملاً تحت کنترل مجاهدین شد و نقش آنها در جامعه بسیار کم رنگ شد. زنان در این دوران احساس امنیت را در جامعه از دست داده و اکثراً قربانیان دوران جنگ مجاهدین را زنان تشکیل دادند زیرا به تعداد زیادی از زنان و دختران به خصوص در شهر کابل تجاوز صورت گرفت. حضور گروه مجاهدین در افغانستان در پیچه ی برای ظهور گروه تروریستی طالبان شد. از سال ۱۹۹۶ که دوران سیاه طالبان روی کار آمد نقش زنان در جامعه محو شد و زنان حقوق فردی و اجتماعی خود را کاملاً از دست دادند. پوشش بسیار شدیدتر شد و همه ی زنان مجبور به پوشیدن چادری یا "برقع" شدند. دیگر میان زنان باسواد و بی سواد در جامعه هیچ فرقی وجود نداشت و

هزاران موانع و مشکل برای زنان با حکومت این گروه تریستی که تمام جهان از آن با خیر اند. در سال ۲۰۰۱ با روی کار آمدن دولت موقت کرزی با تشکیل نظام جدید، تلاش شد تا به زنان افغان فرصت و امتیازاتی داده شود، که بسیاری از آن ها از این فرصت توانستند استفاده نمایند و درهای شانس پیشرفت برای زنان باز شد اما حال مشکل زنان تهدید از سوی گروه های تروریستی و مردان جامعه است. از سال ۲۰۰۱ تا کنون ۲۰۱۵ که دولت اشرف غنی و عبدالله روی کار است زنان با مشکلات زیادی در جامعه روبرو هستند. تهدید از سوی پدر، برادر، شوهر و مردان فامیل شوهر برای حضور در جامعه به عنوان محصل و یا غیره از درون خانه و همچنان آزارها و اذیت های خیابانی و پیشنهاد های نامناسب از سوی روسای محل کار با اینکه حقوقشان در جامعه نقض شده و امنیت جانی و روحی در جامعه از ایشان سلب شده اما با این حال هم در این مدت زمان تعداد زیادی از زنان و دختران با وجود همه ی مشکلات در عرصه ی سیاست، تجارت، اقتصاد، هنرهای هفت گانه، ورزش رسانه ها، فعالیت های مدنی و غیره رشد چشمگیری داشته باشند. امروز نهاد های دفاع از حقوق زنان در افغانستان در مقابل فقر، نا امنی، بی سواد و فرهنگ ناپسند که در جامعه رواج است مبارزه می کنند، اما با وجود این هم خشونت علیه زنان در بسیاری از مناطق وجود دارد و نگرانی مدافعین حقوق زنان در این است که بعد از ۲۰۱۴ چی قانون برای زنان تصویب خواهد شد این در حالی است که زنان افغان در هر رژیم و یا تحول که در افغانستان میاید تنها قشر آسیب دیده هستند.

شمسری از: دیامونپه  
از کتاب: گیوه های بریده ی زنی در خواب

"بی سمنی"

گرچه بی شرمه است

ا

می خواهم بره

زبانم

همه مرا میند

برتن ناینایی بیازم

که اسام کند

آری، اینک نم

تاینگر زنان و

تای دستانی که پرتابم کردند.

زین، آتاقی خالی ست

باچ ستاره ی روشن

که تحن بجایگی ام را سگند

بی فایده می آیندومی روند

آنانی که چشم ظاهر دارند

برهم خوابی خفاش و

بر بجنه مصکشان

دل تنگ می شوم

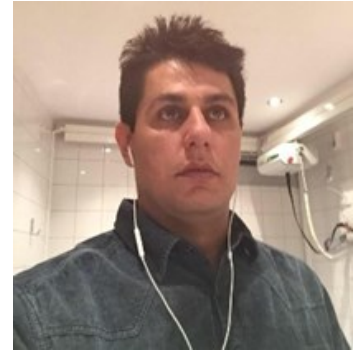
برای آمانی که ستمد و نیشند

وزمانی خواهند بود

دور می شوم

تا اطمینانم را وسط این همه ابتدال کم نگنم

**مشکلات پناهجویان سوری و دیگر کشورهای اسلامی !**  
اکو رضائی



از حقوق شهروندی زندگی می‌کنند و آن کشورهایی که عده ایی را می‌پذیرند مانند ترکیه و لبنان به هیچ وجه به آنها اجازه دریافت شهروندی نمی‌دهند. در سوریه عملاً چند جریان موازی جریان دارد ابتدا نظیر هر نقطه دیگری از جهان عرب ارمان ازادی خواهی و خواست پایان دیکتاتوری ابراز می‌شود، بدون این‌که گفتمان غالب بر رسانه‌ها در مورد سوریه تغییری یافته باشد آنان چنان نشان

می‌دهند که مردمی متحد در مقابل دیکتاتوری خون‌اشام ایستاده است و هیچ کدام از دو طرف مناقشه واقعا کوشش نکردند به نبرد خاتمه دهند. پشتیبانی ایران، روسیه، و چین، به دمشق موجب سخت‌تر شدن موضع بشار اسد شده است. خودداری غربی‌ها و از جمله فرانسه به فراخواندن اپوزوسیون به برقراری آتش‌بس نیز، نفت بر آتش پاشیده، و هیچ‌گاه غربی‌ها به مأموریت کوفی عنان اعتماد نداشته و کوچکترین تلاشی برای موفقیت آن انجام نداده‌اند چرا؟ برای اینکه طرفین مناقشه (غربی‌ها و کشورهای حاشیه خلیج فارس) هدف مقدمشان انداختن رژیم سوریه جهت هدف قرار دادن ایران است. طبیعی است که روسیه و چین که موافق

هستند پناهجویان بسیاری که در کمپ‌های پناهندگی، ترکیه، لبنان، عراق، اردن سکونت دارند ولی از امکانت اولیه زندگی محرومند. جنگ داخلی سوریه تاکنون باعث گشته که حدود نیمی از جمعیت این کشور آواره شوند، حدود صدو نود هزار گشته نیز به جای مانده است. این روزها سوال دیگری در جهان عرب موج می‌زند، کشورهای حاشیه خلیج فارس چند پناهنده یا پناهجو پذیرفته‌اند؟ جواب برابر است با صفر، عربستان، بحرین، امارات، عمان، کویت هیچ کدام عضو کنوانسیون ژنو نیستند و هیچ‌گونه قانونی برای پذیرش پناهنده ندارند، این در حالی است که بخش بسیار مهمی از کشورهای همچون عربستان و امارات کارگران مهاجر از مناطقی همچون شبه قاره هند یا فیلیپین هستند، که با کمترین دستمزد و بدون کوچک‌ترین بر خورداری

اعمال فشار بر تهران هستند در ماجراجویی نظامی با این استراتژی مخالفت می‌کنند. در این میان که سیاست‌گذاران خارجی و داخلی فقط به منافع خود و سیاست خون‌بارش می‌اندیشند. و فقط مردم مظلوم سوریه هستند که یا کشته می‌شوند و یا آواره و سرگردان، به امید زندگی بهتر روانه کشورهای دیگر می‌گردند، که اکثریت آنها اگر از خطرات راه و بسیاری موانع دیگر عبور کنند، می‌توانند به کشورهای امن پناهنده شوند که در آنجا نیز قطعاً مشکلات خاص خود را خواهند داشت.

چند روز پیش که مرگ کودکی سوری به نام ایلان کوردی که در دریا غرق شده بود، شوک بزرگی برای تمامی رسانه‌های دنیا و بخصوص غرب شده بود. اما واقعا چرا حاکمان کشورها اینگونه سیاست‌هایی را پیشه می‌کنند؟ در صورتی که می‌باید، همه به یکدیگر کمک کنیم، مسلمان، یهودی، سیاه و سفید هیچ فرقی ندارند. ما باید با خوشی دیگران زندگی کنیم نه با بدبختیشان، نباید از یکدیگر متنفر باشیم، و همدیگر را تحقیر کنیم، در این دنیا به اندازه کافی جا برای زندگی همه وجود دارد. می‌توان زندگی شاد و آرامی داشت، ولی ما گمراه شده ایم، حرص و طمع روح اکثر انسانها را الوده کرده، و دنیایمان را محصور کرده و ما

**نوشته‌ای که می‌خوانید حالتی از یک روح سرکش است ....**  
بهاره شرفی

صحبت از ذره‌ای کوچک‌تر از سلولی مسلول از جامعه است که پیوندهای کوالانسی‌اش در هم نمی‌شکند و هرروز بزرگتر می‌شود...  
حتماً که در یک گوشه‌ی تاریک این جامعه به گوشتان خورده است...

دختران و زنانی که در رابطه‌هایی سر به زنگاه وارد شده‌اند و آشنایی بر هم زده‌اند...  
چقدر این روزها جامعه‌ی ما که واژه‌های سنگینی چون ملیت و مذهب را بر دوش می‌کشد رو به تاریکی‌ها می‌رود...  
دختران و زنانی که نگذاشته‌اند زینت و غرور در هم تنیده شود و چه بیچارگی بزرگی مبتلایشان می‌شود وقتی زنی تهی از غرور باشد...  
در طول تاریخ اندیشه‌های زن ستیزانه و باورهای ناروا شرحی برای زنان بر سر زبان‌ها بوده است، مردم شناسانی که اعتقاد بر این داشتند این تهاجم به دلیل شکل جسمی زن و نیز نقش اندک آنها در اقتصاد خانواده بوده است البته این اندیشه‌ها خاص فرهنگ ایران و ادب پارسی نیست بیشتر اعتقاد بر این است که آموزه‌های توحیدی و ادیان بی‌تأثیر در این باورهای نارس نبوده‌اند. این یک امر فراگیر است و در بیشتر فرهنگ‌ها و جوامع می‌توان به روشنی مشاهده کرد. زنان در برخی از متون کهن ادب پارسی موجوداتی سست اعتقاد، بی‌وفا،



ناقص عقل، حیلہ گر معرفی شده اند.

بر اساس چنین تفسیرهایی اصالت وجودی زن نفی شده و ادعا می شود که آنان هستی خود را از مرد گرفته اند چرا که طبق روایاتی از ادیان، زن موجودی است که از پهلوی چپ مرد آفریده شده است...

البته مثبت اندیشی هایی در این بین مشاهده می شود مانند این که « زن خوب فرمانبر پارسا / کند مرد درویش را پادشاه » و دیگر هنر زنان این است که « نشینند و زاینند شیران نر » گویی تنها زنان رسالتی دارند در جهت بقای نسل...

در ادیان می خوانیم که حوری بهشتی لطافتی زنانه دارد و وعده داده می شود به پارسایان و همیشه زنان به عنوان جایزی ارزنده در طول تاریخ پیشکش مردان شده اند. توانایی های جسمی مرد و زن هر دو متفاوت است و حتی در ابراز عواطف جنسی نیز این امر مشهود است؛ آری نمی شود وضع جسمانی زن را در این گونه باورها نادیده گرفت چرا که زن در مقابل پدیده ای به نام بارداری در نقش انفعال و اضطراب قرار می گیرد و محدودیت های حرکتی و نیز نیاز به حمایت مرد در جامعه انسانی زن را به این باور می رساند که ذره ذره ناتوانی در او گسترش میابد...

متأسفانه چنین باورهایی تا روزگار ما ادامه دارد و در دوران معاصر، از نیچه می خوانیم که مرد عمق و زن سطح است... و همواره جنبش های فمینیستی برای ارتقای مقام زن در تلاش هستند.

درست رسالت این نوشته همین جا است و ما می ایستیم... امروزه انسان ها نخست به حدود یکدیگر آزموده می شوند...

در روزگار ما همه از خانواده می گویند و دغدغهی خانواده را دارند. جامعه شناسان اولین حلقه ای شکل گیری بنیان جامعه را خانواده می دانند.

اگر خانواده ای در جامعه نباشد، همه تربیتهای بشری و همه نیازهای روحی انسانها ناکام خواهد ماند.

در پی شرح باورهایی کال که در طول تاریخ زنان را در برمیگیرد متأسفانه در روزگار ما زنانی هستند که با لباسی مبدل به رنگ قدرت، حیلہ زنانگی را بر رخ مردان می کشند و این را نیز پیروزی خویش اعلام می پندارند.

به دور از تمام باورهای مذهبی و فرهنگ و تمدن و نژاد باید به انسانیتی بازگشت که زنان و مردان را در یک مرتبه قرار می دهد و این همان حدودی است که امروزه زنان با امکانی که برایشان پیش آمده خود به تنهایی می توانند موجب ارتقای مقام خویش و

استحکام چهارچوب خانواده باشند.

وقتی زنی خودش را نصفه نیمه تقدیم رابطه ای دو نفره می کند، همیشه سوم شخص مفرد خواهد بود و در واقع نه تنها موجودی از جنس خویش را سرکوب و بیرون میراند بلکه خود را بسیار بی ارزش نشان خواهد داد چرا که ذات زن میل به یگانگی دارد و وقتی این امر نادیده گرفته شود تمام معادلات هستی موجودیت زن را نیز برهم می زند.

مرد در مقابل ورود یک تازه وارد به هم پیمانانه اش دروغ می گوید و فریض می دهد اما این تذویر به خاطر زنان و دخترانی است که برای چیزی می جنگند که از آن آنها نیست و خودشان را متعلق به مردانی می دانند که میان بوسه ای به ناگاه رها شده، برایشان چند صباحی طرح ماندن زده اند...

یعنی اعتباری بودن نیز برچسبی می شود به زنانگی هایمان وقتی تعدادی از زنان اینگونه حدود خویش را مشخص می کنند همیشه این امکان را برای مرد به وجود می آورند که در نبود یار و یا در تزلزل های روانی که امکان دارد در فراز و نشیب های هر خانواده ای رخ بدهد، مرد بی تردید می تواند انتخابی فراتر از عرف جامعه و انسانیت و ذات وجودی خداوند داشته باشد.

و این سلول مسلول هر روز در جامعه لابلائی مدرنیته رشد می کند و سنت را به ظاهر کنار زده و هر جا که توجیه ای بخواهند تبصره ای از روایات دینی را به جایش می نشانند...

آدم هایی با کله های گچی ژست روشن فکری می گیرند...

در این خطابه حجم زنانگی ها بر دوش قلم افتاده است باشد که بدانیم و به خود آگاه شویم که در این روزگار چه تأثیر بسیاری می توانیم در ارتقای مقام زن در خانواده داشته باشیم.

سخن کوتاه کنم، کاش به زینت هایمان به مادرانگی هایمان بهائی دهیم گران تر از ماشین های مدل بالا... بهائی به ارزش شرافت آدمی... آن هنگام که قرار است نطفه ای به نیکی بیسته شود و فرزندی در آغوش کشیده شود به نام عشق

عشقی به یگانگی، در چهارچوب انسانیت و صبوری و گذشت برای ترمیم زخم های یکدیگر

یاد جمله پدر بزرگ بخیر که ۵۰ سال تعمیر را بر تعویض ترجیح داد...

پی نوشت:

زینت هایمان را نذر رابطه های قراردادی و بی سرو ته نکنید... آدم هایی که مترادف عشق می شوند فقط می توانند قلبشان را با یک نفر تقسیم کنند...

راه اندازی اینترنت ملی حلال در ایران پریا مصیری منجی



در سال ۲۰۰۹ کشور ایران در رده ۱۷۲ جهان در فهرست آزادی مطبوعات سازمان گزارشگران بدون مرز قرار داشت. آزادی رسانه ها در ایران در سال های اخیر به مراتب کمتر شده و از رتبه ۱۴۶ در سال ۲۰۰۵ به سطح کنونی نزول یافته است. موضوعاتی همچون مناسبات با آمریکا، برنامه هسته ای ایران، اسلام، مذهب و سنن و روحانیت در کشور ایران موضوعات ممنوعه

محسوب می شوند. علی خامنه ای از جمله چهل و دو رهبر و مقام دولتی در جهان است که از سوی گزارشگران بدون مرز به عنوان دشمنان آزادی مطبوعات برگزیده شده اند. سازمان گزارشگران بدون مرز با انتشار بیانیه ای ضمن اشاره به فرمان اخیر رهبر جمهوری اسلامی ایران مبنی بر «تسریع در راه اندازی اینترنت ملی»، آنچه را «تشدید سانسور بر اینترنت و» مسدودسازی

نرم افزارهای کاربردی تلفن های همراه در ایران «نامیده است، محکوم کرد. گزارشگران بدون مرز در بیانیه خود اشاره کرده است که از زمان روی کار آمدن دولت حسن روحانی در مرداد ۹۲، «چگونگی کنترل اینترنت در ایران به جدلی جدی در راس حکومت تبدیل شده است، ولی نظارت و کنترل بر اینترنت نسبت به دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد محسوس

محسوس است.»

در پایان این بیانیه تصریح شده که از مردادماه ۹۲ که دولت حسن روحانی بر سر کار آمده است، «نزدیک به صد شهروند و بنگار بازداشت شده‌اند و بسیاری از آن‌ها به حبس‌های سنگین محکوم شده‌اند.» سازمان گزارشگران بدون مرز، مسوولیت بیشتر این بازداشت‌ها را بر عهده «اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» دانسته است.

ایران سانسور اینترنت را با به روز رسانی سیستم فیلترینگی تشدید کرده است که رژیم اسلامی را قادر می‌کند جلو دسترسی به هزاران وب سایتی را بگیرد که این رژیم استفاده از آنها را برای ایرانیان صلاح نمی‌داند.

در چند ماه گذشته بسیاری از نرم‌افزارهای کاربردی تلفن همراه یکی پس از دیگری از سوی مسوولان جمهوری اسلامی «فیلترینگ هوشمند» شده‌اند، این امر با سکوت شرکت‌های سازنده این نرم‌افزارها همراه بوده است. فیلترینگ هوشمند که اتصال گزینشی و کنترل شده به اینترنت و به ویژه در شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای کاربردی است.

از تاریخ ۷ شهریور در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران و از این میان تهران، دسترسی به برخی نرم‌افزارها از این میان تلگرام با اخلال جدی روبرو شده است. بیشتر در تاریخ تاریخ ۱۰ تیر ماه ۱۳۹۴ محمود خسروی معاون وزیر ارتباطات و مدیر

عامل شرکت ارتباطات زیرساخت اعلام کرده بود «تمامه‌ای رسمی به تلگرام زدیم و در آن گفته‌ایم که شبکه شما در ایران مشکل دارد، بیایید بنشینیم مشکلات را حل کنیم.»

در تاریخ ۱۴ اردیبهشت سال جاری، محمود واعظی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرد «فاز دوم فیلترینگ هوشمند را با یک شرکت خارجی آغاز کرده‌ایم و در این پروژه از توان پژوهشگران داخلی نیز استفاده خواهیم کرد.» محمود واعظی در تاریخ ۲۰ فروردین اعلام کرده بود: «همه شبکه‌ها در یک مقطعی با اختلال مواجه می‌شوند اما وقفه‌های اینستاگرام به علت اجرای فیلترینگ هوشمند بر روی این شبکه است.»

این نرم‌افزار که همچنان دچار اختلال است در نخستین فاز فیلترینگ هوشمند به کنترل نسبی رژیم درآمده است.

پس از آن به طبع نوبت وی‌چت، واتس‌آپ، تانگو و وایبر بود که هوشمندانه فیلترینگ شوند. هر بار که فیلترینگ هوشمند بر روی نرم‌افزاری کاربردی اجرا می‌شود، کاربران به سوی نرم‌افزار دیگری مهاجرت می‌کنند.

توجه سانسور بر روی اینترنت توسط حکومت فاسد اسلامی به بهانه حفاظت از شهروندان و علیه محتواهای غیر اخلاقی انجام می‌گیرد، این سانسور اما به وب‌گاه‌های سیاسی، مذهبی و یا محتواهای در باره حقوق بینادین و به ویژه حقوق زنان تسری پیدا کرده است.

### گسترش دانشگاه‌های تک جنسیتی در ایران دل آرام آزمون

غیردولتی و غیر انتفاعی وزارت علوم تاکنون ۲۲ مرکز استان کشور دارای دانشگاه تک جنسیتی شده و یا در آینده اقدام به تاسیس آنها می‌کنند. هرچند این طرح مدتهاست نیز مورد بحث و بررسی بوده است و سهمیه بندی و تفکیک جنسیتی از سوی انجمن‌های اسلامی دانشکده‌ها و برخی مسئولان پیگیری می‌شود.

هر دم دغدغه حضور بانوان در اجتماع ایران برای آقایان به شکلی خود را آشکار میکند و هرچند طرح جداسازی تفکیک جنسیتی از همان دوران ابتدایی در جامعه ایران پایه گذاری شده است.

اما آیا برآستی روند این طرح در دانشگاه‌ها توهین به تمام افراد نمیشود؟ علاوه بر دختران و بانوان دانشجو ایران مردان نیز در معرض اهانت قرار دارند.



بنابر گفته اخیر آیت الله مکارم شیرازی دانشگاه‌های تک جنسیتی باید گسترش پیدا کند. این مرجع تقلید همچنین تاکید کرد که مسئولین بایستی روی این اعتقاد و طرح و قانون مبنی بر تک جنسی کردن دانشگاه‌ها بایستند تا بتوانند این طرح را گسترش دهند.

بنا بر آخرین گزارش آماری موجود، استان تهران دارای بیشترین دانشگاه تک جنسی است.

با اعلام مدیرکل آموزش‌های

سالهاست به بهانه پاسداری و حمایت از شئون اسلامی زن را بعنوان عامل گناه و فساد پس زده اند. اصولاً کسانی که مدعی دفاع از حقوق دین اسلام هستند باعث رواج روحیه زن ستیزی در جامعه میشوند. و به نوعی به بهانه ارزش گذاری برای جنس زن برای او انواع محدودیت‌ها را در قالب‌های مختلف تعریف کرده اند از نوع جمله در سبک پوشش یا مخالفت با عدم حضور یافتن زنان در مکانهای ورزشی و بسیاری موارد دیگر که اصولاً باعث ترویج نگاه نادرست به

زنان شده است که آنها موجوداتی هستند که همواره بایستی تحت کنترل قرار بگیرند. متأسفانه همین نکات ریز و درشت در افزایش روحیه زن ستیزی در جامعه تاثیر بسزایی خواهد داشت. و چون هرگز به معنای درست و واقعی قوانینی در جهت حمایت حقوق و امنیت زنان وجود ندارد عدم امنیت همچنان در شهرهای کوچک و بزرگ وجود دارد. و هرروزه شاهد اتفاقات ناراحت کننده مختلف برای دختران و زنان هستیم.

از سایت رهایی زن، و آرشیو نشریه ما دیدن کنید:

<http://rahaizanorg.blogspot.com>

## کنترل فضای مجازی در ایران و چگونگی جرایم سایبری حمید نصیری کارشناس ارشد حوزه انفورماتیک



بسیاری از فعالین حقوق زنان در ایران مورد اذیت و آزار مقامات رسمی و غیررسمی رژیم اسلامی واقع میشوند و اخیرا به بهانه جرایم سایبری تلاش میشود از فعالیتهای این عزیزان ممانعت بعمل آید.

در این برنامه به پدیده دیکتاتوری مجازی میپردازیم و با یک کارشناس ارشد حوزه انفورماتیک به موضوع کنترل فضای مجازی در ایران و چگونگی جرایم سایبری بگفتگو میشینیم.

پیش از این گفته بودم که تلاش ها برای احیای حقوق انسانی نیاز به هوشمندی و روشنگری در تمامی امور را دارد. این بار اما با برنامه تخصصی و کاربردی " دیکتاتوری مجازی " مهمان شما هستیم. در این سری از برنامه ها به بررسی کنترل و محدودیت های دنیای مجازی و راه های شناسایی و به نوعی مقابله با اون ها خواهیم پرداخت.

### موضوع این قسمت: کنترل فضای مجازی در ایران و چگونگی جرایم سایبری

**مینوهمتی:** در برنامه امشب به پدیده دیکتاتوری مجازی می پردازیم. و با یک کارشناس ارشد حوزه انفورماتیک به موضوع کنترل فضای مجازی در ایران و چگونگی جرایم سایبری به گفتگو می نشینیم.

آقای حمید نصیری با سلام به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

**حمیدنصیری:** سلام و وقت شما به خیر

### مینوهمتی: به نظر شما دیکتاتوری اینترنتی چیست؟

**حمیدنصیری:** سوال جالبی است در ابتدا باید فکر کنیم که دیکتاتوری چیست به دلیل اینکه اینترنت یک شبکه مجازی است که متشکل از یک سری کامپیوترها و ارتباطات بین آن هاست افرادی که از این کامپیوترها استفاده می کنند. این شبکه رو می سازند یک سری از افراد تولید کننده محتوا هستند مثل کسانی که وب سایت می سازند یک سری ادم ها استفاده کننده هستند این ها دست به دست هم می دهند و این شبکه ساخته می شود این جاست که می پرسیم دیکتاتوری اینترنتی چی ست؟ این جاست که می پرسیم دیکتاتوری اینترنتی چی ست؟ بستگی داره که از چه دیدی به کشور نگاه می کنیم هر کشوری که حکومت دیکتاتوری داره فضای مجازی را هم

به نوعی کنترل می کند تا به بقای خودش و قوانین خودش کمک کند به طور مثال کشور چین قوانین سختی داره یا ایران جز محدودترین کشورهاست چرا به دلیل اینکه آنها قوانینی را که در کشور وجود دارد را بر اینترنت حاکم می کنند.

به طور مثال اینکه یک خانمی در ایران طبق قوانین جاری ایران نمی تواند بدون روسری در خیابان راه برود این نوعی قانون است که فقط در ایران حاکمه بنابراین این قوانین رو هم حکومت و عواملش بر روی اینترنت می سازند.

### مینوهمتی: می تونید یک تعریف کلی از جرایم سایبری رو ارائه بدید؟

**حمیدنصیری:** جرایم سایبری عموما نمی توانیم بگویم که تمام جرایم سایبری بد است نوع حکومت ها باز در تعریف جرایم سایبری تاثیر می گذارند به طور مثال اگر ما اینترنت رو یک دنیای واقعی تصور کنیم هر کاری که در دنیای واقعی جرم است مانند خرید و فروش مواد مخدر یا خرید و فروش اعضای بدن، قاچاق انسان هر نوع جرمی که در دنیای واقعی جرم حساب میشه می تونه تو دنیای مجازی هم اتفاق بیوفته و اگر به آنها به عنوان جرم سایبری دیده شود بد نیست ولی آنجایی جرایم سایبری بد می شود که حکومت ها از این واژه استفاده دیگری می کنند به طور مثال اگر وب سایت مذهبی به جزمذهبی که در ایران حاکم است داشته باشید جرم محسوب می شود در صورتی که این مساله در کانادا جرم نیست. به خودی خود تشخیص جرم سایبری وجودش مفید است مانند یک پلیس است که باید باشد اما ممکنه بستگی به تعریف کشورها برای افراد در دسر ساز باشد.

**مینوهمتی:** چه تعریفی از کنترل در فضای مجازی می توانیم داشته باشیم؟

**حمیدنصیری:** کنترل در فضای مجازی دقیقا مانند تعریف بالا هر جرمی که در فضای واقعی جرم محسوب می شود در دنیای مجازی هم جرم به حساب می آید طبیعتا وجود سازمان هایی که فضای مجازی رو کنترل کنند در همه کشورها وجود دارد، چون اگر نباشد همان انسان های مجرم که در دنیای واقعی از بانک دزدی می کنند از طریق اینترنت هم می توانند این کار رو بکنند بنابراین وجود سازمانی که بر اینترنت کنترل داشته باشد مفید است ولی باز اینکه این کنترل یا محدودیت ها چه سطحی ست و اینکه به حریم خصوصی افراد وارد می شود این ها مبحث دیگری است. مانند کنترلی که والدین بر فرزندان دارند می تواند این کنترل مفید باشد اما نه مثل ایران که می خواهد اخلاقیات یا مذهب را کنترل کند یا مثلا کنترل سیستم های بانکی در کشور مفید است.

**مینوهمتی:** چه سازمان هایی معمولا وظیفه کنترل فعالیت های اجتماعی افراد در دنیای مجازی رو دارند؟

**حمیدنصیری:** ما سازمان دیگری جز پلیس نداریم اما ممکن است به جایی برسد که فعالیت یک شخص بنا بر کاری که انجام داده یا مثلا پرونده ای که داره تحت کنترل است به طور مثال سازمان امنیتی آن کشور و پلیس امنیتی آن کشور هم بررسی لازم را داشته باشد. به طور معمول در هیچ کشوری در پاسگاه محلی یا شهرکوچک نمی توانیم بگویم ما یک تعداد پلیس باید داشته باشیم که پلیس سایبری هستند این امر خیلی تخصصی است به خاطر اینکه یک جرم اینترنتی می تواند با خیلی از



شد چرا این کار را می کنند به دلیل ضعف های ست که وجود دارد چون نمی توانند جلوی این شبکه ها را بگیرند از خو کاربر استفاده می کنند تا همدیگر را بترسانند.

در رابطه با اپلیکیشن ها موبایل بیشتر صحبت خواهیم کرد که چگونه با امنیت بیشتر بتوان از آنها استفاده کرد سخت نیست و نباید از فضای مجازی بترسیم مانند راه رفتن در تاریکی که با احتیاط انجام میشه اما با آگاهی و روشنایی بهتر می توانیم حرکت کنیم. اما این آگاهی ها به صورت غیراصولی در ایران توسط عوامل خود جمهوری بترسانند یعنی یک سری اطلاعات غلط با چهار تا کلمه تخصصی به مردم داده می شود و افراد بدون توجه به صحت این مطالب آن ها را برای هم انتشار می دهند. بنابراین تا جایی که بتوانیم باید اطلاع رسانی درستی انجام بدهیم که استفاده از این شبکه ها ترسی نداره و این کار مانند همان روشن کردن چراغ است.

**با تشکر از مژگان حاصلی برای پیاده کردن متن مصاحبه**

لینک :

<http://rahaizantv.blogspot.com/2015/08/cyber-dictatorship-and-human-rights.html>

خواهد این شبکه ها در ایران گسترش پیدا بکنند بنابراین هر چه که این سیستم ها محدود کنند برایشان بهتر است تا جایی که می توانند فیلتر می کنند. اما در جاهایی ست که این شبکه ها طوری طراحی شده است که مبحث فیلتر شدنش با تکنولوژی الان وجود دارد سخت و پیچیده تر می شود و سرعت انتشار در ایران بالاتر از این است که در ایران مهندسان بتوانند این شبکه ها را ببندند بنابراین در ایران از قدرت خود مردم علیه مردم استفاده می کنند یعنی چی؟ در شبکه های اجتماعی مثلا راجع به وایبر یا تلگرام خبرهایی را می سازند که این ها در حال کنترل شدن هستند. مثلا شم شنود می شوید فیلم هایتان دیده می شود و... آدم ها را به این طریق می ترسانند.

وقتی نمی توانند کنترل کنند افراد را می ترسانند و آن ها به دلیل عدم آگاهی به خاطر مثلا عکسی که در گوشی دارند یا از ترس اینکه موقع صحبت کردن صدای فرد را یک برنامه دیگری که هیچ ارتباطی به هم ندارند ضبط می کند و همه این ها نسبت داده می شود به اسرائیل و امریکا و... این ها به دلیل ترس هایی است که استفاده کننده های ایرانی انتشار می دهند به یکدیگر، کافی ست که ده تا از این پیام ها ساخته شود تا فردا در سراسر ایران منتشر خواهد

ارشد سایبری یک کشور که واحد تایید شده ای است و واحدی است که معرفی اش می کنند به کشورهای دیگه اون پلیس وظیفه اش همین کار است، بع دلیل اینکه یک سری از جرایم بین دوتا کشور اتفاق می افتد بنابراین ما باید بدانیم که پلیس سایبر هلند بتواند با پلیس سایبر فنلاند در تماس باشد بنابراین یک سازمان مشخص این کار را انجامی دهد اما می تواند سازمان های دیگری هم وجود داشته باشد که داخل دولت اون کشور وجود داشته باشند ولی برای عموم شناخته شده نباشد. یک کشوری مثل ایران و چین و روسیه این سازمان ها را دارند.

بیشتر کشورها در بحث امنیت کار می کند اما در ایران در بحث براندازی یا عقاید و مذهب و... اقدام می کنند اما در امریکا اینگونه نیست.

**مینوهمتی: آقای نصیری به عنوان آخرین سوال، در مورد اپلیکیشن های موبایل چه راهنمایی ارائه می دید تا بتونه کمکی باشه برای بینندگان عزیز؟**

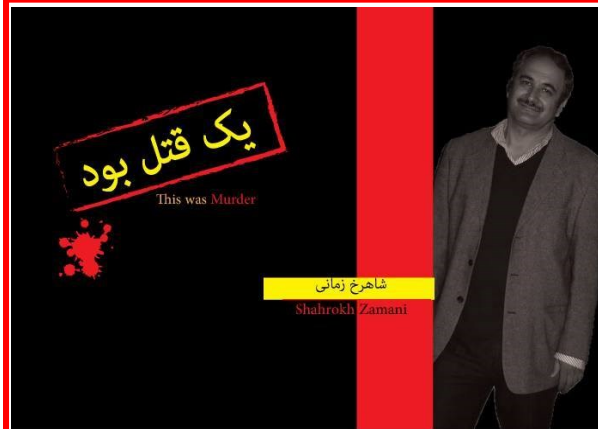
**حمید نصیری:** به صورت کلی در شبکه های اجتماعی به دلیل سرعت انتقال اطلاعات در این سیستم ها بسیار بالاست بنابراین باز چون حکومت ایران یک حکومت دیکتاتوری است نمی

موضوعات درگیر شود مثلا اگر یک شخصی بخواد مثلا یک پولی را از بانکی بدزد بعد با این پول مواد مخدر خریداری کند و هم پولشویی انجام دهد یا مثلا قاچاق انسان بکند این پرونده با چندین نوع و چندین سازمان درگیر می شود بنابراین سازمانهای مختلفی باید توجه شان به این پرونده باشد پس این مساله از کنترل پلیس محلی یا پاسگاه محلی خارج است منطقی این است که در هر کشوری سازمان بزرگتری با متخصصین این امر که دسترسی به بستر مخابراتی داشته باش امکان پذیر است.

اما به دلیل فعالیت های امنیتی نوع نگاهی که سازمان ها به هم دارند این امر در کشورها متفاوت است در ایران ما پلیس سایبری داریم، سپاه برای خودش یک بخشی دارد سازمان اطلاعات هم همینطور این ها چون به همدیگر هم اعتماد ندارند نوع کنترل هایشان هم فرق می کند، یک کشوری مثل روسیه که این کشور هم محدودیت های خیلی زیادی در بخش اینترنتی دارند آن ها چندین سازمان که حتی نمی توانند برای همدیگر هم توضیح دهند بنابراین ما نمی توانیم آمار دقیقی از هر کشور بدهیم که چه سازمان های موظف است یا چه سازمان هایی دقیقا این کار را انجام می دهند. اما معمولا پلیس

کارگران متحد شوید

جان دیکر، مهران و فعالین کارگری در خطر است



**زنان و حکومت های اسلامی مذهبی**  
**فرشته نظام آبادی**



در حکومت‌های مذهبی بخصوص حکومت های اسلامی زنان در رده چندم قرار گرفته اند حتی از کمترین حقوق اولیه انسانی نیز

برخوردار نیستند .  
حکومت‌های مذهبی مخصوصا حکومت دیکتاتوری ایران چنان زنان را در قفس سنت و مذهب قرار داده اند که حتی خانواده ها را علیه زنها برپا کرده است متاسفانه امروزه از مرگها و خشونت های ناموسی علیه زنان کمتر سخن گفتم می شد در صورتی که حکومت دیکتاتور مذهبی ایران بصورت کاملا عامرانه میلیاردها صرف این نوع خشونت علیه زنان کرده است تا بتواند زنان را در خانواده مهار کنند و بتوانند قوانین وحشی و ضد زن را در جامعه بر احتی پیاده کنند.  
حکومت مردسالار جمهوری اسلامی برادر و پدر را بهترین مهار کننده و همدست و شریک خود می کند  
روزانه در بین زنان و دختران در ایران می توان به وضوح این موضوع را مشاهده کرده و دید که زنان علاوه بر مبارزه علیه قوانین وحشی اسلامی باید علیه سنت و تفکرات عقب افتاده وحشی و مردسالارانه مبارزه کنند . اما این حکومت هر چقدر هزینه کند باز هم زنان ایران را نمی تواند مهار کند . زنان مدرن ایران که روزانه با مדיاهای اجتماعی به روز هستند با پوشش و لباس و آرایش خود سی و پنج سال است که حکومت را به ستوه آورده اند و از هر سوراخ و

**زنده باد آزادی**

**نامه ی محمدرضا سیامک مهر (پورشجری) نویسنده وبلاگ گزارش به خاک ایران**



با درود فراوان پیش از این، دولت جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی این رژیم، مرا که آرا و اندیشه ها و نظرات خود را پیرامون مسایل و مشکلات جامعه ایران در صفحه شخصی خود در فضای مجازی منعکس میساختم بنا به اتهاماتی پوچ و واهی چون اقدام علیه امنیت کشور، توهین به رهبری جمهوری اسلامی و توهین به مقدسات به مدت چهار سال به زندان افکندند.  
در طی این زمان، بر اثر شکنجه ها و کتک خوردن ها و ماه ها حبس در سلول انفرادی در بازداشتگاههای وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و نیز به سبب فشارهای روانی و تنش های عصبی و سختی ها و رنج های حاصل از سالهای زندان به بیماریهای قلبی و عروقی مبتلا شدم و به مرور زمان و تداوم این شرایط، دیابت و امراض کلیوی و ورم غده پروستات و سیاتیک و دیسک کمر هم به آن افزوده شد. در سال ۱۳۹۱ بدنبال سخته قلبی و براساس تشخیص پزشکی قانونی که مراحل معاینات و روند تشخیص متخصصان در پرونده پزشکی من در بهداری زندان کرج موجود می باشد، دیگر قادر به تحمل حبس و زندان نبودم و میباید از زندان آزاد می شدم. ولی متاسفانه دستگاه قضایی رژیم اسلامی به این تشخیص وقعی نگذاشت و توجه نکرد. در نتیجه وبه ناگزیر من پس از تحمل دوران حبس در اول شهریور ماه ۱۳۹۳ از زندان آزاد شدم.

اما وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بلافاصله و پس از گذشت تنها ۳۸ روز از آزادی من، دوباره مرا بازداشت کرده و با افترا و پاپوش و پرونده سازی از طریق دادسرای انقلاب کرج و سپس در یک جلسه دادگاه کاملا فرمایشی به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام اسلامی، مرا به یک سال حبس و دوسال تبعید به شهرستان طبس و مصادره اموال محکوم کرد.  
اکنون که به روزهای پایانی حبس خود نزدیک می شوم، به روشنی آگاهم که قادر به تحمل دوران تبعید آنهم در بدآب و هواترین نقاط در وسط کویر ایران نمی باشم و جان خود را ازین بابت بطور جدی در معرض خطر مرگ می بینم.  
لذا از شخصیت ها و ارگان ها و سازمان های نامیرده و نیز از هم میهنانم تقاضا دارم تا با هشدار درباره وضعیت مخاطره آمیز زندگی من و بااعتراض به مقامات جمهوری اسلامی، افکار عمومی را نسبت به ظلم و بیدادی که بر من هموار شده آگاه نموده و از فرستادن من به تبعیدگاه جلوگیری نمایند.

با سپاس

محمدرضا پورشجری (سیامک مهر) نویسنده وبلاگ گزارش به خاک ایران

۱۸ شهریور ۱۳۹۴

زندان کرج (ندامتگاه)

To Mr. Ahmad Shaheed, special U.N rapporteur on Iran,  
And also:  
Amnesty International  
Human Rights Watch  
Reporters without Borders  
Other Human Rights organizations and institutions,  
And also to all human right activist all over the world

A while back, the Islamic Republic regime and its Judiciary sentenced me to four years in prison under the false charges of Acts against national security, insulting the supreme leader, and blasphemy; while my only crime was publicizing my opinions and views on the issues and problems of Iran in virtual space.

During this time, due to tortures and months of solitary confinement in jails of Islamic Republic's ministry of intelligence, and the mental pressure and hardship that I went through during those years in prison, I developed heart problems. Over time, suffering those terrible conditions, I also developed diabetes, kidney, prostate, sciatic, and lumbar problems. In 2012 I suffered a heart attack, and after examinations, the doctors recommended that I should be release from prison since I am in terrible health; but the Islamic Republic Judiciary ignored their opinion. Therefore I was released after I finished my sentence in 2014.

But only 38 days after my release, the Ministry of Intelligence arrested and framed me again. They charged me with propaganda against the regime in a mock trial, and sentenced me to one year in prison and two years banishment to Tabas town and confiscation of property.

Now that I'm reaching the final days of my prison sentence, it is clear to me that I will not be able to endure banishment in one of the harshest environments in the middle of Kavir desert in Iran, and I seriously fear for my life.

Therefor I ask these respected figures and organizations and also my countrymen to inform the public about my health conditions and the injustice that I have suffered, and to voice their objections to Islamic Republic, so that it might prevent my banishment.

Thank you

Mohammad Reza Shajaripour (Siamack Mehr) Writer of "Reports to Iranian soil" blog.

**September 9<sup>th</sup>, 2015**  
**Karaj Prison**

--  
**fb: [Mitra pourshajari](#)**  
**twitter: [MPourshajari](#)**



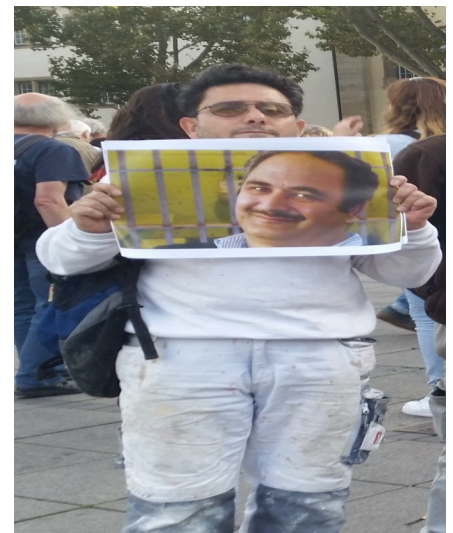
# گزارش بانی از برگزاری مراسم اعتراضی به قتل شاهرخ زمانی در زندان جمهوری اسلامی ایران و خطر جانی برای دیگر کارگران دربند

## شهر شتوتگارت — آلمان

گزارش از: شراره رضانی

روز دوشنبه، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۵ برابر با ۲۳ شهریور ۹۴، تجمعی که هر هفته بنام Montags Demo با موضوع حمایت از آوارگان و پناهندگان سوریه همچنین محکومیت و اعتراض به حکومت فاشیست اردوغان در بمباران های اخیر " پ ک ک" ترتیب داده شده بود. تعدادی از ایرانیان مقیم شهر شتوتگارت- آلمان از این فضا استفاده کرده و در اعتراض به قتل شاهرخ زمانی توسط رژیم اسلامی ایران صورت گرفت. رفیق رامین، به زبان آلمانی ضمن، اطلاع از خبر ناگوار مرگ این رهبر کارگر خستگی ناپذیر، شاهرخ زمانی، به اطلاع حضار، توضیحاتی درباره سوابق و مبارزات شاهرخ زمانی داد و اینکه با تمام فشارها و شکنجه های جمهوری اسلامی این کارگر مبارز هرگز سر خم نکرد و حتی در زندان به مبارزات خود ادامه داده و در ایجاد تشکل های کارگری اصرار داشت و تا آخرین لحظه ی زندگی دست ذره ای از مطالبات کارگران در مقابل رژیم عقب نشینی نکرد.

در ادامه ی صحبت ها، از روابط دوستانه کشور های اروپایی با رژیم جنایتکار اسلامی ایران که دستش به خون و کشتن و اعدام و شکنجه صدها فعال سیاسی و کارگری دربند آغشته است مورد انتقاد قرار گرفت و اینکه در دولت روحانی هم همانند دیگر هم پیالگانش بیشترین اعدام ها را داشته و زندان های مخوف رژیم آخوندی با تحت فشار قرار دادن و شکنجه، باعث مرگ تدریجی فعالین سیاسی و فعالین کارگری چون شاهرخ زمانی و افشین اسانلو شده و همچنان جان دیگر فعالین کارگری و سیاسی همچون بهنام ابراهیم زاده و دیگر محبوسان در زندان سیاه رژیم در خطر است.





# گزارشی از برگزاری مراسم اعتراضی به قتل شاهرخ زمانی در زندان جمهوری اسلامی ایران

جلوی سفارت جنایتکار جمهوری اسلامی جنایتکار در شهر برلین — آلمان ۱۶/۰۹/۲۰۱۵





**جان فعالین کارگری در خطر است!**

علی نجاتی فعال کارگری هفت تپه دستگیر شد و

محمود صالحی به ۷ سال و ۶ ماه زندان محکوم شد.

سه شنبه شب گذشته، ماموران امنیتی با در دست داشتن حکم دادستانی، بعد از مراجعه به خانه نجاتی، ضمن تفتیش منزل و توقیف بعضی از وسایل مانند کیس کامپیوتر و غیره، ایشان را به همراه خود میبرند. اکنون دو روز است که نامبرده در بازداشت اداره اطلاعات میباشد. هیچ کس بدرستی نمیداند که به چه اتهامی ایشان را مورد بازداشت قرار داده اند.

حکم ۷ سال و ۶ ماه حبس به محمود صالحی فعال کارگری کردستان از سوی دستگاه قضایی اعلام شد! همین چند هفته پیش ماموران زندان سندانج جسم نیمه جان و بی کلیه محمود صالحی را روی تخت بیمارستان تحویل خانواده ی وی دادند!

\*\*\*

**شکنج «معلولان با غل و زنجیر و سگ» در یک مرکز نگهداری استان البرز — ۲۸ شهریور ۱۳۹۴ — رادیو فردا**

برگزاری مهر، در این گزارش با اشاره به گفته‌های والدین تعدادی از معلولان ذهنی و جسمی این مرکز و همچنین گزارش بازرسان، مواردی چون «ضرب و شتم»، «سگ درمانی» و «زنجیر درمانی» به عنوان نمونه‌هایی از «شکنج» معلولان در این مرکز ذکر شده است.



این خبرگزاری همچنین بدون ذکر نام، تصویر گزارش سازمان پزشکی استان البرز درباره «اصابت جسم سخت» و «چندین مورد» «خراشیدگی» در بدن یکی از این معلولان را منتشر کرده است.

بر اساس این گزارش، خانم صفایی، مادر خوانده یکی از معلولان به نام علی، در سال ۹۲ متوجه شده که فرزندخوانده‌اش را در این مرکز «کتک زده‌اند» «اما او نتوانسته» «تخلفات رخ داده» «را اثبات کند تا اینکه در نهایت مدیرکل بهزیستی استان البرز با مشاهده فیلم‌های دوربین مداربسته نصب شده در این مرکز به «زنجیر کردن معلولان روی تخت و ضرب و شتم» آن‌ها پی برده و این مرکز «چند ماه قبل» «پلمب شده است».

\*\*\*

**چهل درصد کودکان در مناطق جنگی خاورمیانه به مدرسه نمی‌روند — دویچه وله**

طبق آخرین گزارش یونیسف، ۴۰ درصد کودکان در کشورهای سوریه، لیبی، عراق، یمن و سودان به دلیل شرایط جنگی از رفتن به مدرسه محرومند. ۹ هزار مدرسه نیز در این مناطق غیر قابل استفاده هستند.

از هر ۱۰ کودک خاورمیانه‌ای و شمال آفریقایی، ۴ نفر به دلیل شرایط جنگی به مدرسه نمی‌روند. یونیسف، صندوق کمک به کودکان سازمان ملل متحد در آخرین گزارش خود در این باره اعلام کرده که مجموعاً ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در کشورهای سوریه، لیبی، عراق، یمن و سودان به علت شرایط جنگی از رفتن به مدرسه محرومند.

**یونیسف: جنگ داخلی یمن در چهار ماه جان ۴۰۰ کودک را گرفته است**

اصلی‌ترین دلیل نرفتن این کودکان به مدرسه، حملاتی عنوان شده که در مناطق جنگی علیه مدارس صورت می‌گیرد. از بسیاری از مدارس در مناطق جنگی به عنوان پناهگاه خانواده‌های آواره و یا گروه‌های شبه‌نظامی استفاده می‌شود.

تنها در سوریه، عراق، یمن و لیبی نزدیک به ۹ هزار مدرسه به همین دلایل نمی‌توانند برای آموزش مورد استفاده قرار بگیرند. هزاران معلم نیز در این مناطق از ترس جانانشان، کار خود را رها کرده‌اند و پدرها و مادران به همین دلیل به کودکان خود اجازه نمی‌دهند که به مدرسه بروند.

**داعش بیش از ۱۵۰۰ مدرسه در استان انبار را ویران کرده است**

دیر یونیسف همچنین گفته است که کشورهایمانند ترکیه، لبنان و اردن که تعداد زیادی پناجوی سوری را پذیرفته‌اند نیز با مشکلات قابل توجهی روبرو هستند. از جمله اینکه سیستم آموزشی این کشورها ظرفیت پذیرش تعداد زیاد کودکان پناهنده را ندارد. گزارش یونیسف تأکید کرده که در سودان و فلسطین نیز شرایط مشابهی حکمفرماست.

به گفته پتر سلما، کودکانی که به مدرسه نمی‌روند اغلب برای تامین مخارج خانواده‌هایشان مشغول کار می‌شوند. این کودکان در خطر سوءاستفاده به عنوان نیروی کار ارزان قرار دارند و نیز خطر به کارگیری آنها به عنوان کودک سرباز نیز وجود دارد.



تاس با سازمان رهائی زن



تلویزیون رهائی زن از «کانال یک» روی ماهواره «هات برد» هر هفته  
روزهای جمعه ۱۲:۳۰ به وقت تهران و بازپخش، شنبه ۱۷:۳۰ و دوشنبه ۰۰:۴۰ به  
وقت تهران می توانید بیننده تلویزیون رهائی زن باشید.  
فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

## برای همکاری با سازمان رهائی زن می توانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: ۸۵۸-۵۳۱-۱۳۴۴

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهائی زن هر دو ماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: دیانا نامی

تلفن تماس: ۰۰۴۴7862733511

ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

نروژ: شادی و روپاک مطیعی

تلفن تماس: ۰۰۴۷۹۰۴۷۴۰۲۷

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سوند-استکهلم: پری زارع

تلفن تماس: 0046762308064

رعنا کریم زاده

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۹۲۸۶۸۴۲

آدرس: ABF, Halndenterminalen 3  
ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوند: سالار کرداری

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: آفاق وکیلی

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۶۲۵۱۸۱۸۸

ایمیل: [rahai\\_zan@yahoo.com](mailto:rahai_zan@yahoo.com)

آلمان: شراره رضائی

تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۵۲۱۰۱۸۹۸۰۱

ایمیل: [Shararehzaei.p@googlemail.com](mailto:Shararehzaei.p@googlemail.com)